

رونمایی از تندیس استاد علی نصیریان در موزه سینما

با حضور جمعی از هنرمندان از تندیس استاد علی نصیریان، پیشکشوت سینما و تلویزیون، در تالار معاصران موزه سینمای ایران رونمایی شد.

تندیس علی نصیریان که بر اساس نقش‌آفرینی این بازیگر پیشکشوت در فیلم سینمایی «کمپته مجازات» برگرفته از سریال «هزاردستان» علی حاتمی ساخته شده است در موزه سینما رونمایی شد. در این مراسم تعدادی از هنرمندان از جمله رضا کیانیان نیز حضور داشتند.

علی نصیریان بعد از رونمایی از تندیسش در تالار معاصران موزه سینما بیان کرد: حس خوبی از این تندیس به من منتقل شد و از موزه سینمای ایران برای ساخت آن بسیار سپاسگزارم. یادم می‌آید علی حاتمی به من گفت دلم می‌خواهد «هزاردستان» آلبومی از خودت، کشاورز، انتظامی، رشیدی و مشایخی شود و این جمله من را برای پذیرفتن نقش ابوالفتح صحاف مشتاق‌تر کرد. ۲ ماه در گرمای تابستان سر فیلمبرداری برای این نقش بودم. این شخصیت یک صحاف بود که بیماری سل داشت و به خاطر همین بیماری از همسرش جدا می‌شود که این سکانس برای من بسیار جذاب بود و حس خوبی داشت.

نصیریان درباره همکاری‌اش با کارگردان‌ها نیز توضیح داد: شیوه‌ای که برای کارم دارم این است که نظراتم را از وقتی متن را می‌خوانم با کارگردان در میان می‌گذارم و درباره فیلم‌های حاتمی نیز به همین شکل بود، البته مرحوم حاتمی خیلی دخالت نمی‌کرد و دست ما را باز می‌گذاشت. اینکه چطور بازی کنیم مربوط به خود بازیگر است و اغلب کارگردان‌ها رئوس و دیالوگ‌ها را کنترل می‌کنند. بازیگری خود کاری خلاقانه است که در ابتدا بازیگر باید شخصیت را تجسم کند و ابعاد دیگر آن صدا و لحن است.

او درباره همکاری و مراوداتش با چهره‌های ماندگار از جمله انتظامی، کشاورز، رشیدی و مشایخی نیز عنوان کرد: هیچ وقت بین من و همکارانم رقابتی وجود نداشت. یکی از نکته‌های مهم این بود که هیچ وقت با هم وارد حاشیه نمی‌شدیم. همیشه با هم کار می‌کردیم و درباره نقش‌هایمان حتی با هم مشورت می‌کردیم. معتقدم نکته‌یابی‌ها در

گفتوگو به وجود می‌آید، زیرا با گفتوگو خیلی روابط نزدیک‌تر می‌شود. درست است که مدرسه بازیگری و کلاس تئاتر رفتم اما اینها درمان درد من نبود، درمان من نشستن با آدم‌هایی همچون فرخ غفاری و فریدون رهنما، منوچهر انور و داوود رشیدی بود که از آنها بسیار آموختم.

وی با اشاره به علاقه جوانان به حوزه سینما توضیح داد: بازیگری شوق، وجد و دلبستگی می‌خواهد و متأسفانه زمانه امروز مانند زمانه ما نیست. در زمان ما یک سالن کوچک ۹۰ نفره بود که ما التماس می‌کردیم تا مخاطب بیاوریم، نظراتشان را جویا شویم و متوجه اشکالات کارمان شویم. نخستین کلاس تئاتر را در سال ۳۰ رفتم، آن زمان در خرابه‌های سنگلج تمرین می‌کردیم اما متأسفانه امروز همه انتظار فرش قرمز دارند.